

شیوه‌های گفتمان‌سازی قرآن و سنت در ارتباط با تکریم شخصیت زنان*

رقیه صادقی نیبری**

فاطمه سادات میری اقدام***

چکیده

دین اسلام در شرایطی ظهور کرد که مصادف بود، با واقعیت‌های تلخ بسیاری در زندگی و اندیشه بشری که زیر پا گذاشتن حرمت، کرامت و ارزش‌های وجودی زن، بارزترین آن‌ها بود. قرآن کریم و اقدامات پیامبر اکرم (ص)، نشان از احیای کرامت زن و ایجاد اندیشه‌های جدید در باور مردم نسبت به شخصیت زنان دارد. موفقیت در جایگزینی گفتمان جدید نسبت به دیدگاه رایج، کار ساده‌ای نبوده و نشان از حرکتی برنامه‌ریزی شده و مستمر دارد. بی‌شک بررسی تاریخی اقدامات قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) در این راستا می‌تواند ما را به الگویی جامع برای حرکت‌های بعدی و گفتمان‌سازی‌های جدید در حوزه‌های دیگر، رهنمون سازد. بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد در ارتباط با موضوع زنان، قرآن کریم و سنت پیامبر گام‌به‌گام و به فراخور شرایط موجود، پیش رفته و با طی مراحل پنج‌گانه‌ای به این مهم دست یافته‌اند. این مراحل شامل موارد زیر است: ۱- مرحله تشخیص و مسئله‌شناسی موضوع که یکی از اساسی‌ترین بخش‌ها برای حل هر مشکلی است. ۲- مرحله تبیین مسئله ۳- مرحله تبلیغ گفتمان جدید ۴- مرحله تثبیت گفتمان جدید که به تحکیم جایگاه اندیشه جدید در ذهن و باور مردم می‌پردازد. ۵- مرحله تعمیق و رفتارسازی که به ایجاد قوانینی در راستای احیای حقوق زنان می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: تکریم شخصیت زنان، گفتمان و گفتمان‌سازی، گفتمان‌سازی قرآن و سنت.

*- تاریخ دریافت: ۹۷/۰۸/۲۹ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۲۳

rsadeghiniri@yahoo.com
f.miryaghdam@gmail.com

** دانشجوی دکتری و استادیار، دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید مدنی آذربایجان
*** دانشجوی دکتری، دانشیار ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

مقدمه

«گفتمان» یکی از مقوله‌هایی است که در چند دهه‌ی اخیر، مورد توجه نظریه‌پردازان قرار گرفته و در عرصه‌ی سیاست، جامعه‌شناسی، فلسفه، ادبیات، امور اجتماعی، مسائل فرهنگی و روانشناسی اجتماعی کاربرد فراوانی یافته است.

هر نوع گفتار، کلام و نوشتار، جریان‌ی اجتماعی محسوب می‌شوند و به عبارت دیگر دارای سرشت و ماهیت و ساختار اجتماعی هستند. گفتمان‌ها، حَسَب مکان و زمان تفاوت می‌کنند. در هر کشوری، گفتمان‌های متفاوت وجود دارد. (مک دانل، ۱۳۸۰ش: ۵۵) بنابراین، مفهوم گفتمان، تاکید بر فرآیندهایی اجتماعی دارد که مولد معناست. از درون گفتمان‌های متفاوت، جهان متفاوت درک می‌شود. (عضدانلو، ۱۳۸۰ش: ۱۷) گفتمان، شکلی از فعالیت اجتماعی است که اهداف و نتایج معینی دارد (شی-ژو، ۱۳۹۴ش: ۲۰).

شکل‌های مختلف گفتمان همیشه به عنوان ابزارهایی موثر نه فقط برای حفظ وضع موجود جوامع، بلکه برای ساخت، شکستن ساخت و حتی بازسازی جوامع به‌کار گرفته شده است؛ بنابراین، کاربرد آگاهانه گفتمان‌ها در برقراری ارتباط بین حکومت‌ها و مردم، اهمیت بسیار بالایی دارد (عضدانلو، ۱۳۸۰ش: ۶۵).

ابزارهای ساخت جامعه دو نوع است؛ اولی استفاده از ابزار زور و دیگری استفاده از گفتمان است. خود گفتمان‌ها از طریق دو روش، منجر به تغییراتی در جوامع می‌شود: ۱- اقناع ایدئولوژیک ۲- برانگیختن احساسات. گفتمان تنها ابزاری برای اقناع نیست که فقط در مسیر منطق یا اخلاق، حرکت کند؛ بلکه وسیله‌ای برای برانگیختن احساسات نیز هست. علاوه بر این از این دو طریق (اقناع ایدئولوژیک و

شیوه های گفتمان سازی قرآن و سنت در ارتباط با تکریم شخصیت زنان ۱۳۵

برانگیختن احساسات)، توان گفتمان برای شکل یا تغییر شکل دادن جامعه سنجیده می شود (ر.ک: همان: ۷۵-۷۳).

بنابراین برای تغییر دیدگاهی در جامعه و به تعبیر بهتر، ایجاد فرهنگی جدید و نهادینه کردن امری، به گفتمان سازی در مرحله اول و سپس فرهنگ سازی و اجرایی کردن آن نیاز است.

۱- مراحل گفتمان سازی قرآن و سنت در ارتباط با تکریم شخصیت زنان

زنان در جاهلیت عرب از جایگاه انسانی بسیار پایینی برخوردار بوده اند؛ به طوری که حتی به عنوان یک کالا، مورد فروش و معاوضه قرار می گرفتند، نوع ازدواج ها و طلاق های رایج در آن دوره، زنده به گور کردن دختران، به ارث رفتن زن پس از فوت شوهر و مواردی از این قبیل، به خوبی گویای جایگاه پایین زنان در بین اعراب جاهلی است.

قرآن کریم و درکنار آن، پیامبر (ص) در مدت زمان نه چندان طولانی توانستند، تحولی عظیم در دیدگاه مردم نسبت به جایگاه زنان ایجاد کرده و شخصیت مستقل و ارزشمند زنان را احیاء کنند. روند این تحول تدریجی و حرکت گام به گام قرآن و سنت می تواند به ارائه الگویی اسلامی، که شیوه و مدل گفتمان سازی اسلام در رابطه با تکریم شخصیت زنان است، منجر شود. این شیوه گفتمان سازی، امری بسیار کاربردی برای جوامع و حکومت های اسلامی امروزی است.

ذکر یک نکته را باید ضروری دانست و آن این که، مراحلی که در ادامه با عنوان مراحل گفتمان سازی قرآن و سنت خواهد آمد، به هیچ عنوان مستقل از هم و مقطعی نیستند و تمامی مراحل در امتداد هم و هر کدام به صورت مستمر و یا نهایتاً به صورت های دیگر ادامه یافته اند.

۱-۱- مرحله اول: تشخیص و مسئله شناسی

مرحله اول برای ایجاد تغییر در گفتمان حاکم، شناخت دقیق جامعه و شرایط و الزامات حاکم بر مردم آن جامعه است. به گواه تاریخ، رسول اکرم (ص) در سال عام الفیل^۱ در مکه به دنیا آمده و تا زمان بعثت، همچنان در مکه بوده است (مقدسی، بی تا: ۴، ۱۳۱). این خود نشان از آن دارد که پیامبر (ص) حدود چهل سال از عمر خود را در مکه و در میان مردم گذرانده است.

همچنین به گواه تاریخ، جد پدری ایشان یکی از بزرگان مکه بوده است. حفر چاه زمزم متعلق به عبدالمطلب بوده است. (ر.ک: ابن هشام، بی تا: ۱، ۱۴۳). هم چنین منصب سقایت و اطعام حجاج در زمان های حج، متعلق به اجداد پیامبر (ص) بوده و پس از وفات ایشان، به عبدالمطلب رسیده است، که در بین سران قریش جایگاه ویژه ای داشته است (ر.ک: همان: ۱۴۲-۱۳۵). این که جد پیامبر (ص) از بزرگان مکه بوده است و پیامبر (ص) هم در کنار ایشان در مناسبات مهم و مختلفی حضور داشته است، به خودی خود فرصت نابی برای شناخت دقیق فضای حاکم و شناسایی عوامل دیدگاه رایج، نسبت به مساله زنان است.

۱-۲- مرحله دوم: تبیین مساله

در از آغاز بعثت پیامبر (ص) با توجه به اوضاع نامساعد مکه، برای مطرح کردن برخی بی عدالتی ها نسبت به زنان از سوی پیامبر (ص) و دین جدید اسلام، جایگاهی وجود نداشت، با این حال، از جمله مباحث مطرح شده در نخستین آیات نازل شده،

۱. در کتب تاریخی بسیاری در بحث تولد پیامبر (ص) به ذکر سال اکتفا شده است و به نظر می رسد به علت واضح و قطعی بودن تولد ایشان در مکه، اشاره صریحی به آن نشده است. از جمله: سیره النبویه (سیره ابن هشام)، بی تا، ج ۱، ۱۵۹؛ ابن سعد، ۳۷۷ق، الطبقات کبری، ج ۵، ۳.

شیوه های گفتمان سازی قرآن و سنت در ارتباط با تکریم شخصیت زنان ۱۳۷

مطرح کردن ابتدایی ترین حق مرتبط با زنان یعنی حق حیات بود. این خود نشان از حرکت جدی و اراده مصمم دین اسلام، برای احیای حقوق و تکریم جایگاه زنان دارد. عمده اقدامات قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) در این دوران، به تبیین موضوع و روشن تر کردن زوایای مختلف مساله زنان برای عموم مردم مربوط می شود؛ چرا که به دلیل عادات و آداب غلط حتی بسیاری از زنان، ظلم های رایج نسبت به خودشان را پذیرفته و آن را جزء قواعد زندگی می دانستند. عمده روش هایی که برای روشن تر ساختن موضوع و تبیین مساله ی زنان صورت گرفت، بدین شرح است:

۱-۲-۱- طرح سوال جدید با بیانی خاص

از جمله سوره های ابتدایی قرآن بر اساس ترتیب نزول، سوره تکویر است، که هفتمین سوره از نظر ترتیب نزول است (ر.ک: نکونام، ۱۳۸۰ش: ۳۰۳). در این سوره، پس از ذکر چند نمونه از احوال قیامت، آمده است: «وَإِذَا الْمَوْؤُذَةُ سُئِلَتْ، بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ؛ و در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سوال شود که به کدامین گناه کشته شدند.» (تکویر/ ۹-۸).

در این آیات، برخلاف شیوه معمول، از خود فردی که مورد ظلم واقع شده، در باب دلیل وقوع ظلم سوال شده است و این خود دارای نکاتی است و توجه بیشتری را به خود جلب می کند. «در حقیقت مسئول قتل این دختر، پدر اوست؛ اما در این آیات مسئول را خود آن دختر دانسته و می فرماید از خود او می پرسند به چه جرمی کشته شد؟ این هم نوعی تعریض و توییح است، از قاتل آن دختر و هم زمینه چینی است برای اینکه آن دختر جرأت کند و از خدای تعالی بخواهد که انتقام خون او را بگیرد، و آن گاه خدای تعالی از قاتل او سبب قتل او را بی رسد، و سپس انتقامش را

بگیرد.» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۲۰، ۲۱۴). هم‌چنین این‌که قرآن نمی‌گوید، از قاتلین سؤال می‌کنند، بلکه می‌گوید از این کودکان معصوم سؤال می‌شود که گناهشان چه بوده است که چنین بی‌رحمانه کشته شدند، گویی بدین جهت است که قاتلین، ارزش بازپرسی را هم ندارند؛ علاوه بر اینکه شهادت و گواهی این مقتولین به تنهایی کافی است (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۲۶، ۱۷۹).

۱-۲-۲- استفاده از مفاهیم جدید در بیان مطلب

یکی از عناصر مهم در پیش‌برد گفتمان جدید در جامعه، استفاده از مفاهیم و واژگان جدید است که علاوه بر رساندن مفهوم، به تحریک احساسات هم بپردازد و توجه بیشتری را به خود جلب کند که قرآن کریم از این روش به خوبی بهره برده است و در مورد عادت زنده به گور کردن دختران آورده است: «وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٍ...» و هر گاه یکی از آنان را به دختر مژده آورند، چهره‌اش سیاه می‌گردد، در حالی که خشم [و اندوه] خود را فرو می‌خورد...» (نحل/۵۹-۵۸). در این آیات، از واژه بشارت برای خبری که در عرف، شنیدنش مورد کراهت و ناراحتی بوده، استفاده شده است؛ برخلاف این‌که معنای رایج بشارت، برای خبری است که موجب سرور و شادی مخاطب شود؛ البته در قرآن کریم، این واژه برای تهدید و انذار هم به کار رفته است؛ مانند: «فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (آل عمران/۲۱) و «بَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه/۳).

اغلب علمای اهل لغت معتقدند، بشارت در جایی است که مژده به خبر خیر باشد. گاه نیز بشارت در مورد شرّ به کار می‌رود که نوعی «تبکیت؛ سرزنش» است؛ اما اگر در کلام، به صورت مطلق باشد، بشارت در موارد خیر، و انذار در موارد شرّ خواهد بود (ر.ک: ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۱، ۲۵۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۸ق: ۱، ۴۱۴).

شیوه های گفتمان سازی قرآن و سنت در ارتباط با تکریم شخصیت زنان ۱۳۹

دیدگاه مفسران نیز چنین است. ابن عاشور در ذیل آیه مورد بحث آورده است: «در اصل، اعلام خبر افزایش فرزند دختر، مژده و خبر مسرت بخش است که اعراب جاهلی به اشتباه، آن را ناگوار می دانستند و خداوند از تعبیر «بشّر» استفاده کرد، تا آنان را به دلیل این که در اثر تحریف حقایق، بشارت را مصیبتی ناگوار تلقی می کردند، به طور تعریض، مورد تهکّم قرار دهد و تعریض، نوعی کنایه است.» (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ۱۳، ۱۴۸).

۱-۲-۳- تاکید بر خلقت یکسان زن و مرد

قرآن کریم برای تبیین بهتر موضوع، دست روی عوامل و ریشه های بنیادی شکل گیری دیدگاه رایج در برخورد با زنان گذاشته و در چندین مورد با جدیت به مقابله با آن پرداخته است.

در سوره اعراف که سی و نهمین سوره نازل شده بر پیامبر (ص) است (ر.ک: نکونام، ۱۳۸۰ش: ۳۰۳) و می توان گفت اولین سوره نسبتاً طولانی نازل شده در مکه است که به نسبت سوره های قبلی با فراغ بیشتری به توضیح موضوعات مهم پرداخته است، از جمله موضوعات مهم مطرح شده در آن، خلقت یکسان زن و مرد از نفس واحده است؛ به گونه ای که می فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...» اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید، و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد...» (اعراف/۱۸۹)

به این مطلب چندین بار در قرآن کریم^۱، پرداخته شده که نشان از اهتمام جدی خداوند برای مبارزه با ریشه های اساسی تبعیض و ظلم در حق زنان دارد.

۱-۲-۴- تاکید بر پاداش مساوی اعمال زن و مرد

یکی دیگر از اقدامات قرآن در راستای نفی وجود هرگونه خلا و ضعفی در خلقت زن برای کسب سعادت دنیوی و اخروی، تاکید مداوم بر پاداش مساوی عمل زن و مرد است. به این ترتیب قرآن کریم به ترتیب نزول، در آیاتی مانند: آیه ۴۰ سوره غافر، ۹۷ سوره نحل، ۱۹۵ سوره آل عمران، ۱۲۴ سوره نساء و آیه ۱۳ سوره حجرات، ضمن نفی تاثیر جنسیت در ارزیابی اعمال و اعطای پاداش به زن و مرد، بر حقیقت انسان که روح و منزله از جنسیت می باشد، تاکید نموده است.

این قبیل آیات در عصری نازل شد که اعتقاد مردم بر اساس فرهنگ غلط رایج آن روز، این بود که زنان اگر مرتکب گناه شوند، عقوبت گناهشان بر گردن خودشان است و باید مجازات شوند؛ ولی اگر اعمال خوب انجام دهند، پاداش آن، متعلق به مردان است و زنان از ثواب خود بهره ای ندارند. این تفاوت در نظر آن ها به این جهت بود که معتقد بودند، زن به جهت پستی و حقارتش، شایستگی ثواب و پاداش را از خدا ندارد. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۲، ۴۰۷ و ۵، ۱۴۲) این آیات قرآنی درصدد نفی فرهنگ نادرست رایج در آن عصر هستند و دلالت دارند زنان هم مانند مردان ثواب اعمال نیک خود را دریافت می کنند.

ذکر یک نکته قابل توجه است و آن اینکه با بررسی ترتیب نزول آیات ذکر شده، نتیجه ای که دور از انتظار هم نبود، حاصل می شود که تاکید بر پاداش مساوی عمل زن و مرد، به طور نسبی پس از مطرح کردن و تاکید قرآن بر خلقت یکسان زن و مرد است. به تعبیر دیگر، پس از آماده شدن تقریبی ذهن ها در ارتباط با حقانیت اسلام و نبوت پیامبر(ص) و اصل موضوع مورد بررسی در مورد زنان و ظلم های

شیوه های گفتمان سازی قرآن و سنت در ارتباط با تکریم شخصیت زنان ۱۴۱

واقع بر آنان، به طرح چنین موضوعی پرداخته شده است و مرحله دوم از مراحل گفتمان سازی، از مراحل مستمر گفتمان سازی به حساب می آید، که تا صدوهفتمین سوره ادامه داشته است.

۱-۳- مرحله سوم: تبلیغ گفتمان جدید

برای تغییر یک دیدگاه و جایگزینی فرهنگی دیگر به جای آن، پس از تبیین موضوع و آماده شدن اولیه ذهن ها با مساله محوری، نیاز به تبلیغ فرهنگ جدید وجود دارد. در مرحله تبلیغ باید ویژگی های بارز و متفاوت دیدگاه جدید کاملاً بیان شود و در صورت امکان، الگوسازی های ذهنی در رابطه با آن صورت گیرد.

ذکر یک نکته هم لازم است و آن اینکه بیشتر سوره هایی که در آنها به داستان های تاریخی و ارائه الگوهای برتر پرداخته شده است، به طور نسبی جزء سوره های میانی قرآن به حساب می آیند، (بر اساس ترتیب نزول، حدوداً بین سوره های ۵۰ تا ۷۵ قرآن کریم) (ر.ک: نکونام، ۱۳۸۰ش: ۳۰۳) و این امر، نشان دهنده این است که این آیات، تقریباً پس از مرحله قبلی که به تبیین موضوع می پرداخت، نازل شده و این سیر گام به گام قرآن در این مسیر را نشان می دهد که به خوبی پس از ذکر ظلم های رایج در حق زنان و روشن ساختن موضوع، به ارائه الگوهای تاریخی در جهت ارتقاء باور مردم در مورد زنان می پردازد.

۱-۳-۱- تبلیغ در ارتباط با ارزش های وجودی زنان توسط الگوسازی

قرآن کریم با عنوان کردن داستان های تاریخی که شخصیت اول و قهرمان آنان، زنان هستند به الگوسازی و توجه هرچه بیشتر عموم مردم به ارزش های وجودی و شخصیتی زنان، پرداخت که از آن جمله است:

الف) ملکه‌ی سبا

در سرزمین یمن، بانویی سلطنت می‌کرد که از لحاظ قدرت و شوکت در مرتبه‌ی بالایی قرار داشت و شاید حتی از نمرود و فرعون کمتر نبود. حضرت سلیمان پس از دریافت گزارش هُدُهد مبنی بر وجود فرمانروایی با عظمت، نامه کوتاهی برای ملکه سبا نوشت و او را دعوت به پرستش خداوند کرد. داستان برخورد با درایت و معقول ملکه سبا با دعوت سلیمان نبی(ع) و سرانجام تسلیم شدنش در برابر معجزه نبی، در آیات ۲۳ تا ۴۴ سوره نمل آمده است.

در مقایسه، بین برخورد ملکه سبا و حضرت سلیمان، نسبت به برخورد فرعون با موسی و یا نمرود با ابراهیم، به خوبی حکمفرمایی و پیروزی عقل و منطق و درایت را می‌توان مشاهده کرد که یک زن، چنین عاقلانه و با درایت، منجر به حفظ جان و سعادت ملتش می‌شود. علاوه بر آن در این داستان که قرآن کریم آن را نقل کرده، برخلاف افکار رایج جاهلی، یک زن زمام دار امور است و در این مسیر، بسیار موفق عمل می‌کند.

ب) آسیه، همسر فرعون

همسر فرعون در نجات جان حضرت موسی (ع) در نوزادی، نقش بسیار مهمی را ایفا کرد و با شفاعتی که نزد فرعون نمود، مانع از کشته شدن موسی (ع) گردید. همسر فرعون در قرآن کریم هم به جهت ممانعت از کشته شدن موسی (ع) و هم به لحاظ ویژگی‌های بارز و شاخص فردی از جمله ایمان و عقیده مستحکم، مورد توجه قرار گرفته است. (ر.ک: قصص/۹؛ تحریم/۱۱)

شیوه های گفتمان سازی قرآن و سنت در ارتباط با تکریم شخصیت زنان ۱۴۳

تاثیرگذاری آسیه (س) در تغییر نظر فرعون مبنی بر زنده نگه داشتن حضرت موسی (ع)، نشان از نقش مهم و تاثیرگذار زنان در طول تاریخ در بسیاری از اتفاقات مهم اجتماعی و سیاسی جامعه دارد.

قرآن کریم در مسیر تکریم و بزرگداشت جایگاه زنان، تا جایی پیش می رود که از یک زن به لحاظ ویژگی های بارز و شاخص فردی از جمله ایمان خالص و ثابت قدمی در راه عقیده، به عنوان الگوی زنان و مردان یاد می کند و می فرماید: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ...؛ و برای کسانی که ایمان آورده اند، خدا همسر فرعون را مَثَل آورده...» (تحریم/۱۱)

در این آیه، همسر فرعون، که درجه کفر شوهرش، بدانجا رسید که در بین مردمش فریاد زد: «من پروردگار اعلائی شما هستم»، نمونه برای جامعه اسلامی معرفی شده است و جامعه از این زن، الگو می گیرد؛ نه اینکه فقط زنان باید از او درس بگیرند (جوادی آملی، ۱۳۷۸ش: ۱۵۷-۱۵۶).

نکته بسیار مهم در ارتباط با همسر فرعون این است که، حرکت وی برخلاف فضای حاکم و جریان غالب در جامعه آن روز است، که ارزش وجودی ایشان را دوچندان می کند؛ زیرا در شرایطی که بهره مندی از کلیه امکانات و منافع مادی و دنیوی اقتضا داشت که وی طریق همراهی با فرعون را بییماید، به یکباره مسیر زندگی خود را بر پایه ی عقیده و ایمان محکم به پروردگار برگزید. در واقع، به سبب این ویژگی بارز آسیه که سبب شد تحت تاثیر محیط قرار نگرفته و استقلال شخصیت خود را حفظ کند، موجب شکستن فضای سکوت و خفقان در جامعه گردید و اقدامش، اقدام بسیار ارزشمند و تاثیرگذاری بود.

(ث) حضرت مریم (س)

در خصوص حضرت مریم (س)، قرآن کریم به نام مبارکش تصریح فرموده و حتی سوره‌ای به نام ایشان نازل شده است. در آیات ۳۵ تا ۳۷ سوره آل عمران داستان تولد مریم و سخنان مادرش مبنی بر نذر او برای خدمت در معبد و داستان زندگی او آمده است. در این آیات، نکات قابل ذکر بسیاری وجود دارد، از جمله اینکه: ۱- برخلاف عرف رایج و عدم حضور زنان در معبد تا پیش از او، خداوند نذر مادر حضرت مریم (س) را پذیرفت، آن هم به طور ویژه و با تعبیر «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ» (آل عمران/۳۷) آن را عنوان داشت. ۲- زکریا، پیامبر زمان مریم (س)، عهده دار کفالت و تربیت او شد. «كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا» (آل عمران/۳۷) ۳- پس از پذیرش مریم در معبد و کفالت او توسط زکریا، به یک ویژگی بارز دیگر حضرت مریم اشاره شده است که کمتر از معجزه نیست؛ رزق و روزی‌هایی از سمت خداوند که هرگاه زکریا (ع) به محل عبادت مریم (س) وارد می‌گشت، با آن مواجه می‌شد و مایه تعجب و شگفتی حضرت زکریا بود. «كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (آل عمران/۳۷) ۴- در ادامه آمده است: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛ هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم، خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را بر زنان جهان برتری داده است.» (آل عمران، ۴۲) این خطاب ویژه ملائکه به حضرت مریم (س)، نشان از قدر و منزلت ویژه ایشان نزد خداوند دارد و محتوای آیه به خوبی گویای آن است.

علاوه بر ویژگی‌های فردی ذکر شده، توفیق زمینه‌سازی برای معجزه الهی و تولد فرزندی بدون پدر و مادری حضرت عیسی (ع) از جمله تمایزات حضرت مریم (س) بوده که جایگاه والای این زن را نزد پروردگار نشان می‌دهد.

شیوه های گفتمان سازی قرآن و سنت در ارتباط با تکریم شخصیت زنان ۱۴۵

۱-۳-۲- تبلیغ در ارتباط با ارزش های وجودی زنان توسط سخنان پیامبر

در کنار اقدامات قرآن، رفتار و کلام پیامبر (ص) هم در پیشبرد این گفتمان بسیار نقش داشت. پیامبر (ص) در این مرحله، از هر فرصتی که پیش می آمد و در هر شرایطی ممکن که وجود داشت، از جایگاه ویژه دختران و زنان و مادران نزد خداوند سخن می گفت، که خود این مساله، در امر تبلیغ گفتمان اسلامی در ارتباط با تکریم شخصیت زنان بسیار نقش داشت. از جمله سخنان پیامبر در بزرگداشت دختران و زنان و مادران می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) تکریم جایگاه دختران

- پیامبر (ص) فرموده است: «بهترین فرزندان شما دختران هستند.» (کلینی،

۱۴۰۷ق: ۶، ۵).

- پیامبر (ص) در حدیث دیگری فرمود: «دختران حسناتند و پسران نعمت

خداوند، بر حسنات، بهره می بخشند و از نعمت سوال می پرسند.» (همان، ۶، ۶)

- در روایت دیگری از پیامبر (ص) می خوانیم که فرمودند: «هرکس از سه دختر

یا سه خواهرش سرپرستی کند، بهشت بر او واجب است.»، پرسیدند: «اگر دو دختر

داشت»، فرمود: «باز هم چنین است و اگر یک دختر باشد، باز هم اینچنین است.»

(حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۱، ۳۶۱)

- پیامبر (ص) همچنین فرموده است: «دختران پشت پرده، بهترین فرزندان

هستند. هر کس که یک دختر دارد، خداوند دخترش را مانعی از آتش برایش قرار

می دهد و هر کس که دو دختر دارد، خداوند او را به واسطه آن دو دختر به بهشت

می برد و هر کس سه دختر دارد و یا به اندازه آن، خواهر دارد، خداوند جهاد و

صدقه دادن را از او بر می دارد.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۰۱، ۹۱)

ب) تکریم جایگاه زنان

- پیامبر (ص) می‌فرماید: «جبرئیل همواره مرا به زنان سفارش می‌کرد؛ به حدی که پنداشتم طلاق زن جایز نیست، مگر اینکه مرتکب جرم و گناه آشکاری شود.» (همان: ۱۰۰، ۲۵۳)

- همچنین پیامبر (ص) می‌فرماید: «از دنیای شما سه چیز را دوست می‌دارم؛ بوی خوش و زنان و نور چشم من، نماز.» (کراجکی، ۱۳۹۴ق: ۳۱) نشان دادن این علاقه به زنان توسط پیامبر (ص) و قرار دادن زنان در کنار نماز، که جزء مهم‌ترین مسائل دین به شمار می‌رود، در تبلیغ و تکریم جایگاه زنان نقش مهمی دارد.

- پیامبر (ص) در باب احترام به ذوق و سلیقه زنان می‌فرماید: «مومن به میل و رغبت همسرش غذا می‌خورد و منافق، خانواده‌اش به میل و شهوت او غذا می‌خورند.» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۴، ۱۲) در این روایت، نکته بسیار لطیفی نهفته است؛ همچنان که در بعضی مسائل قضاوتی و حساس که نیاز به کنار گذاشتن کامل احساسات هست، از مشورت و تبعیت از نظر زنان نهی شده، در مسایلی ذوقی و سلیقه‌ای که می‌توان به وسیله آن، دل زن را بدست آورد، توصیه به پیروی از رای آنان شده است و این نهایت توجه به ساختار وجودی زنان را نشان می‌دهد.

ج) تکریم جایگاه مادران

- پیامبر (ص) فرموده است: «بهشت زیر پای مادران است.» (نوری، ۱۴۰۸ق: ۱۵، ۱۸۰) این روایت نهایت تکریم مادران را بیان کرده است.

- همچنین از ایشان ذکر شده است که فرمود: «اگر نماز نافله می‌گزاری و پدرت تو را صدا زد، نماز را بر هم نزن؛ ولی اگر مادرت تو را صدا زد، نماز را بر هم بزن.» (همان، ۱۵، ۱۸۱)

شیوه های گفتمان سازی قرآن و سنت در ارتباط با تکریم شخصیت زنان ۱۴۷

- مردی نزد رسول اکرم (ص) آمد و سوال کرد: «یا رسول الله! به چه کسی نیکی کنم؟ حضرت فرمود: مادرت، دوباره پرسید: پس از آن؟ باز هم حضرت فرمود: مادرت و برای بار سوم هم به همین صورت و در مرتبه چهارم، در جواب مرد فرمود: به پدرت. « (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۱، ۴۹۱)

احادیثی از این قبیل بسیار است؛ به طوری که در کتب احادیث، باب‌های مستقلی برای آن‌ها باز شده است و در این پژوهش، غرض جمع‌آوری کامل آن‌ها نیست، و به ذکر همین موارد بسنده می‌شود.

۱-۴-۲- مرحله چهارم: تثبیت گفتمان جدید

برای نهادینه کردن هر امر جدیدی در وجود انسان، نیاز به تکرار و تذکر است و این، جزء خصایص انسانی است که به سبب عوامل بسیاری از جمله فراموشی و غفلت، نیاز به تذکر مداوم دارد و به همین سبب، در هر دوره نیاز به حضور فرستاده‌ای از سمت خداوند برای دعوت به یکتاپرستی وجود داشته است.

از جمله اقدامات در راستای تثبیت گفتمان جدید می‌توان موارد زیر را برشمرد:

۱-۴-۱- تکرار روایات تکریم جایگاه زنان

تکثر روایات، در تکریم جایگاه دختران و برکت دانستن آنان، هم‌چنین روایات تکریم جایگاه همسران در خانواده و سفارش به نیکی کردن به آنان و روایات فراوانی که در تکریم جایگاه والای مادران وجود دارد، به خودی خود نشان از تکرار مستمر آنان در طول زمان دارد. برخی از این احادیث، از طرق مختلفی به ما رسیده است که این هم نشانه تکرار همان حدیث در مکان و زمان مختلف است. این

تکرارها سبب تذکر و یادآوری و در ادامه منجر به تثبیت جایگاه ارزشمند زنان در باور مردم می‌شود.

۱-۴-۲- ارزش‌دهی و جانب‌داری فراتر از حقوق

با نگرشی به مجموعه تعالیم اسلامی، درمی‌یابیم که جانب‌داری‌های گسترده و اصولی نسبت به زنان شده است که حتی بسیار والاتر از حق قانونی آنان است و بسیار متعالی‌تر از اندیشه‌های زن‌گرایانه‌ی مادی می‌باشد که به چند نمونه در ادامه اشاره می‌شود:

- در تعالیم اسلامی، برای کسانی که بر اذیت و بداخلاقی و بدرفتاری زنان شکیب و رزند و به آزار رسانی و انتقام‌جوئی روی نیاورند و نیز کانون خانواده را با طلاق از هم نپاشند، وعده‌ی پاداش‌های بزرگ اخروی داده شده است و توصیه موکد به صبوری و مدارا با زنان داده شده است. پیامبر (ص) می‌فرمود: «و من صبر علی خلق امرأة سیئة الخلق و احتسب فی ذلك الأجر أعطاه الله ثواب الشاکری؛ آنکه بر خصلت‌های زنی که بداخلاق است، صبر کند، به نیت پاداش الهی، خداوند ثواب شاکران را به او ببخشد.» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق: ۵، ۱۰۷۶)

- مردی نزد رسول اکرم (ص) آمده و عرض کرد: همسری دارم که هرگاه به خانه می‌روم، نزدم می‌آید و هرگاه بیرون می‌روم مرا بدرقه می‌کند و آنگاه که اندوهگینم می‌بیند، می‌گوید: چه چیز تو را غمگین ساخته است؟ اگر برای هزینه‌های زندگی اندوهگینی، بدان که رزق تو در دست غیر توست و اگر برای آخرت اندوه داری، خداوند به اندوهت بیفزاید. پیامبر (ص) فرمود: «خدا را کارگزارانی است و همسر تو از آن کارگزاران است. این زن نیمی از پاداش شهیدان را دارد.» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۳، ۳۸۹) کار زن در خانه و رفتار صمیمی او، کار برای خدا و کارگری خدا

شیوه های گفتمان سازی قرآن و سنت در ارتباط با تکریم شخصیت زنان ۱۴۹

شمرده شده است و ارزش نیمی از فداکاری شهیدان را دارد و این منزلتی فراتر از حق و حقوق های قانونی است.

۱-۴-۳- رفتار پیامبر (ص) با زنان

یکی دیگر از مواردی که در تثبیت و باورسازی مردم نقش اساسی داشته است، رفتار و کردار سراسر احترام و باکرامت پیامبر (ص) نسبت به زنان است. ایشان از همان ابتدا و در مکه، زنان و دختران را تکریم می کردند. نمونه هایی از این رفتارهای توأم با کرامت و اعتماد پیامبر که نشان از ارزشمندی زنان در باور و اعتقاد ایشان دارد، بدین شرح است:

۱-۴-۳-۱- اعتماد نسبت به زنان و سپردن امانت های مسلمانان به یک زن

پیامبر اکرم (ص) در برخورد با زنان، برخلاف معیارهای رایج، بر اساس توانایی و شخصیت هر فردی با او رفتار می کردند و اگر زنانی را می یافتند که قابل اعتماد بودند، به آنان اعتماد کرده و مسئولیت هایی را به آنان می سپردند. به عنوان نمونه، هنگامی که حضرت رسول (ص) قصد داشتند از مکه به مدینه هجرت کنند، ودایع و امانت هایی از مردم را که نزد ایشان بود، به «ام ایمن» تحویل دادند و به علی (ع) سفارش کردند، بعداً از او گرفته و به صاحبانشان برگرداند. (ر.ک: نوری، ۱۴۰۸ق: ۱۴، ۸) این نهایت اعتماد پیامبر به زنان و بالا بودن مقام «ام ایمن» نزد ایشان را نشان می دهد.

۱-۴-۳-۲- مشورت با زنان

در ماجرای صلح حدیبیه، عده ای مخالف صلح بودند. در همان حال که صلح نامه نوشته می شد، جماعتی بین سی الی چهل نفر از قریش به قصد تعرض بر مسلمانان

آمدند، اما مسلمانان همگی را گرفته و نزد پیامبر آوردند، که پیامبر (ص) همگی را آزاد کردند. سپس پیامبر (ص) فرمودند: مسلمانان قربانی کنند و سر بتراشند، مسلمانان درنگ کردند، پیامبر از کرده‌ی آنان خشمگین شد، تا آنجا که شکایت نزد ام سلمه، همسر خویش برد. ام سلمه ایشان را آرام کرده و فرمود: «ای رسول خدا بیرون رو و سر بتراش و قربانی کن، که اینان از شما پیروی خواهند کرد.» پیامبر به سخن او عمل کرد و چنین شد. (رک: ابن خلدون، ۱۴۰۸ق: ۲، ۴۴۸؛ طبری، ۱۳۸۷ق: ۲، ۶۳۶)

۱-۴-۳-۳- ممانعت از برگرداندن زنان مهاجر

هجرت، یکی از مهم‌ترین حرکت‌های اجتماعی در مسیر دینداری است. حضور زنان در دو هجرت مهم صدر اسلام؛ هجرت به حبشه و هجرت به مدینه، نشان از تأیید پیامبر (ص) بر فعالیت‌های اجتماعی زنان دارد. یک حرکت مهم در ارتباط با هجرت زنان توسط پیامبر (ص) بود که تأیید و اهمیت آن را نشان می‌دهد.

بر اساس صلح حدیبیه قرار بود، تمام افرادی که از مکه به مدینه هجرت می‌کنند، برگردانده شوند؛ اما پیامبر (ص) فقط مردان را برگرداندند و با برگرداندن زنان مخالفت کردند (رک: ابن خلدون، ۱۴۰۸ق: ۲، ۴۴۹). آیات الهی هم مهر تأییدی بر این عمل پیامبر زدند، که آیه ۱۰ و ۱۱ سوره ممتحنه بیانگر آن است. این عمل پیامبر (ص)، نهایت توجه اسلام به استقلال زنان در تعیین باورها و مسیر زندگی‌شان را نشان می‌دهد.

۱-۴-۳-۴- مشارکت سیاسی زنان و تأیید پیامبر (ص) و دادن سهم غنائم از جنگ

حضور زنان در عصر پیامبر (ص) در جنگ‌ها به قصد انجام کارهایی مانند مداوای مجروحان، آشپزی و بخش تدارکات جنگ، پرستاری و نگهداری اموال، مورد

شیوه های گفتمان سازی قرآن و سنت در ارتباط با تکریم شخصیت زنان ۱۵۱

پذیرش همه مورخان و محدثان اسلامی است. نکته مهم در این امر، این است که برای شرکت مردان در جنگ‌ها به آنان امر می‌شد؛ اما زنان داوطلبانه به جبهه‌های جنگ می‌شتافتند و حتی گاهی مجبور بودند مردان خود را راضی کنند، تا اجازه شرکت در جنگ را به آنان بدهند.

زنان به طور طبیعی در مبارزه و رزم شرکت نمی‌کردند. غیر از موارد اندک، شاهدهی از حضور رزمی زنان در دست نیست. از جمله می‌توان از دلاوری و فداکاری «نسیبه بنت کعب» در جنگ اُحُد یاد کرد. این زن مشغول سیراب کردن رزمندگان بود که مشاهده می‌کند، مسلمانان، رسول خدا را رها کرده و فرار می‌کنند. می‌گوید: «به سمت پیامبر(ص) رفتم و به نبرد مشغول شدم و با شمشیر و نیزه، مشرکان را از پیامبر(ص) دور می‌کردم، تا اینکه مجروح شدم.» او ضارب خود را هم مجروح می‌کند و به زمین می‌افتد. (ر.ک: واقعی، ۱۴۰۹ق: ۱، ۲۶۸-۲۷۳). نکته جالب این است که پیامبر (ص) مقام او را در اُحُد، از برخی مردان بالاتر می‌داند (ر.ک: ابن سعد، ۱۳۷۷ق: ۸، ۴۵۵).

۴-۳-۵- رفتار پیامبر(ص) با حضرت زهرا

حضرت زهرا (س) در نزد پیامبر (ص) جایگاه بسیار بالایی داشت و مایه تسلی و آرامش خاطر پیامبر (ص) بود. یکی از رفتارهای معنادار پیامبر (ص) در برابر حضرت زهرا (س) بوسیدن مکرر ایشان بود؛ بوسه‌هایی که انگیزه‌هایی همچون: تکریم و احترام، معرفی منزلت و جایگاه حضرت فاطمه (س)، ملکوتی و بهشتی بودن ایشان و محبت‌ورزی نسبت به ایشان داشت.

هرگاه رسول خدا (ص) از مسافرت برمی‌گشت، به منزل فاطمه (س) وارد می‌شد و فاطمه (س) به استقبال او می‌رفت، حضرت او را در آغوش می‌گرفت و بین دیدگانش را می‌بوسید (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۴۳، ۴۰).

پیامبر اکرم (ص) برای تثبیت گفتمان جدید، علاوه بر تکریم جایگاه زنان در کلام و رفتار، با واردکردن دخترش در مسائل مهم اجتماعی از قبیل جریان مباحثه، بر خیلی از افکار اشتباه جاهلی خط بطلان کشید. در ماجرای مباحثه پیامبر (ص) با علمای مسیحی نجران، هنگامی که قرار بر مباحثه شد که هر گروه، هر تعداد از نزدیکان و خوانواده‌اش را که خواست برای اثبات حقانیت خویش بیاورد و در محلی جمع شده و کار را به خدا واگذار کنند که خداوند گروه راست‌گویان را مشخص سازد. پیامبر اکرم (ص) تنها فاطمه (س) و حضرت علی (س) و حسن و حسین را با خود برد. (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۱، ۳۶۹) حضور حضرت فاطمه (س) در چنین عرصه مهم اجتماعی و حتی سیاسی، علاوه بر اینکه، نشان از اعتقاد قلبی پیامبر (ص) به جواز حضور زنان در اجتماع دارد، جایگاه والا و بلند این بانو را نزد رسول اکرم (ص) را نشان می‌دهد.

هم چنین پیامبر (ص) مکرراً می‌فرمود: «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي يُؤْذِنِي مَا يُؤْذِيهَا؛ فاطمه، پاره تن من است؛ هر کس او را بیازارد، مرا آزرده کرده است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۳، ۲۴۳).

۱-۵- مرحله پنجم: تعمیق و رفتار سازی

بعد از تضعیف دیدگاه غالب نسبت به زنان و تثبیت نسبی گفتمان جدید در مراحل قبلی، در مرحله پنجم باید به تعمیق آن پرداخت؛ به طوری که گفتمان جدید به مرحله رفتاری و عملی وارد گردد. قرآن کریم و سنت در این مسیر هم‌گام‌های مستحکمی برای پیشبرد اهداف خود برداشتند و با ایجاد احکام و قوانینی در راستای احیای حقوق زنان در تمامی عرصه‌های فردی و خانوادگی و اجتماعی و سیاسی، به رفتارسازی و احیای بیش از پیش حقوق ضایع شده زنان پرداختند.

شیوه های گفتمان سازی قرآن و سنت در ارتباط با تکریم شخصیت زنان ۱۵۳

لازم به ذکر است، اغلب آیات مرتبط با احکام در مدینه نازل شده است و سیر منطقی گفتمان را نشان می دهد که پس از طی مراحل ذکر شده و تثبیت جایگاه گفتمان جدید، به تعمیق آن به وسیله رفتار سازی پرداخته شده است. اکثر احکامی که در ادامه می آید، اغلب در سوره های بقره، نساء، نور و طلاق آمده است که بر اساس ترتیب نزول، سوره های ۸۷ تا ۱۰۳ قرآن است (ر.ک: نکونام، ۱۳۸۰ش: ۳۰۳) و دقیقاً پس از مراحل قبلی و ذکر داستان های تاریخی در مسیر تبلیغ گفتمان جدید، آمده است که سیر صحیح و حرکت تدریجی قرآن را نشان می دهد.

احکام و قوانین بسیاری وجود دارد که در اسلام برای احیای حقوق زنان وضع شده است که در این مجال فرصت پرداختن به بسیاری از آنان وجود ندارد و در این پژوهش هم هدف، ذکر تمامی موارد نیست و به عنوان نمونه به دو مورد از احکام مرتبط با مسائل زنان اشاره می شود:

۱-۵-۱- احکام ازدواج

قرآن کریم در اولین اقدام مرتبط با این بخش، بر نکاح های رایج غلط که در آن ها حقوق زنان به طور کامل نادیده گرفته می شد، خط بطلان کشیده و بعد از آن، نکاح معمول را برگزیده و تصحیح هایی در آن صورت داده است. از جمله نکاح های رایج غلط می توان به این چند مورد اشاره کرد:

نکاح بدل (معاوضه): بدین شکل بود که دو مرد، برای مدتی زن های خود را با یکدیگر مبادله می کردند (ر.ک: ترمینانی، ۱۴۰۹ق: ۳۶-۳۷). این نوع از ازدواج در اسلام با آیه ی زیر تحریم گشته است: «وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ...؛ مبدل کردن این زنان به زن دیگر [حرام است.]» (احزاب/۵۲)

نکاح المقت: یکی دیگر از شیوه‌های رایج ازدواج بدین‌سان بود که چون مردی می‌مرد، زنش مانند سایر اموال او به ارث می‌رفت. این عمل در اسلام با آیه زیر تحریم شد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای شما حلال نیست که زنان را به آکراه ارث برید.» (نساء/۱۹)

نکاح شغار: نوع دیگری از ازدواج‌های جاهلی بدین صورت بود که زنان و دختران به جای مهر و کابین زنی دیگر قرار می‌گرفتند. این نوع از ازدواج، توسط سنت پیامبر (ص) با روایت معروف «لا شغار فی الاسلام» تحریم گشت (ر.ک: نوری، ۱۳۶۴ش: ۶۰۹).

تمامی ازدواج‌هایی که اسلام آن‌ها را تحریم کرد، به نوعی نشان از خودسری و افراط مردان عرب در ارضاء غریزه جنسی داشت و حقوق زنان به طور کامل نادیده گرفته می‌شد. اسلام با ارائه صحیح برنامه زندگی، ضمن پاسخ‌گویی به تمامی نیازهای بشری، به حفظ حقوق همه انسان‌ها از جمله زنان توجه ویژه‌ای داشته است. از یکسو بر تمامی آن ازدواج‌ها خط بطلان کشیده و از سوی دیگر راه متعادل ارضاء این نیاز را نیز نشان داده است.

ازدواج دائم و نکاح عادی روشی بود که اسلام برای پاسخ‌گویی به بسیاری از نیازهای مردان و زنان، پیش روی آن‌ها گذاشت؛ البته این نوع از ازدواج پیش از اسلام هم مرسوم بوده است (ر.ک: آلوسی، بی تا: ۲، ۳).

با توجه به اینکه اسلام دینی است که در تمام شئون زندگی بشر سخن دارد و به تمام ابعاد آن توجه کرده است، به مساله ازدواج نیز نگاهی واقع بینانه دارد و ازدواج با شیوه معمول و معقول را ستوده و بر آن تاکید کرده است و با تصحیح

شیوه های گفتمان سازی قرآن و سنت در ارتباط با تکریم شخصیت زنان ۱۵۵

اشکالات آن سعی نموده تمام حقوق مردان و زنان به طور مساوات در نظر گرفته شود. از جمله تصحیحات اسلام بر امر ازدواج در مساله «تعدد زوجات» بود.

از عادات اشتباه مردم جاهلی، در امر ازدواج تعدد زوجات بوده و حد و مرزی برای آن وجود نداشته است. در تفسیر فخر رازی آمده است: «غیلان، اسلام آورد در حالی که ده زن در اختیار داشت، پس پیامبر (ص) به او امر کرد که چهارتن از آنان را اختیار کند و بقیه را طلاق دهد» (رازی، ۱۴۲۰ق: ۹، ۴۸۸).

اسلام، مساله تعدد زوجات را تعدیل کرده و علاوه بر محدودیت آن، شرایطی را هم برایش در نظر گرفته است. اغلب مفسران معتقدند که آیات مرتبط با تعدد زوجات بیان می کنند: از زنانی که ازدواج با آنها بر شما حلال بوده، می توانید دو یا سه یا چهار زن بگیریید و اصولاً از ضروریات اسلام است که جمع بیش از چهار زن را جائز نشموده است و البته جمع بین دو یا سه یا چهار زن هم در صورتی جائز است که بتوانید عدالت را بین آنها رعایت کنید و اگر ترس از این دارید، که نتوانید به عدالت رفتار کنید، به یکی قناعت کنید. خداوند در این آیه، حکم را مشروط به ترس کرده؛ نه علم، و این، از آن جهت است که غالباً در چنین مواردی که وسواس نفسانی هم اثر غیر قابل انکاری در آن دارند، علم حاصل نشده و در نتیجه، مصلحت از بین می رود (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۳، ۱۱؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ۴، ۱۵۶؛ طبرانی، ۲۰۰۸م: ۲، ۱۸۵).

۱-۵-۲- ارث زنان

اسلام نظام ارث جاهلی را که بر مبنای تبعیض و ناعدالتی بود، تغییر داد و خود، نظام جدیدی بر مبنای عدالت بنا نهاد. شریعت اسلامی بر نظام ارث فامیلی تاکید کرد و ورثه جدیدی را به آن اضافه کرد که عبارت بود از زنان

و فامیل‌های آنان. هم‌چنین برای زنان مقدار معینی از ترکه میت را مشخص کرد که این مسئله را قرآن در میان میراث پدران و اولاد و برادران پدری و مادری نام می‌برد (ر.ک: همان: ۱۹۲-۱۹۱). قرآن کریم ابتدا با آیه ۷ سوره نساء، ارث زنان را به رسمیت شناخت. «وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ...» و سپس در آیه ۱۱ همین سوره، مقدار و محدوده این ارث را مشخص می‌کند.

در بحث تقسیم ارث نیز قرآن کریم، سهم ارث زن را اصل قرار داد و دیگر سهام را با آن سنجید؛ بدین معنی که ارث زن را قطعی فرض کرده، آنگاه سهم مرد را بر طبق آن، دو برابر سهم زن دانست «لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ النِّثَيْنِ» و فرمود که زن نصف مرد ارث می‌برد، تا ارث مرد اصل و مسلم گرفته شود. این نوع بیان برای طرد رسوبات افکار جاهلی است که زن را از ارث محروم کرده بودند و در چنین فضایی قرآن کریم سهم زن را قطعی دانسته و آن را اصل قرار داده است. هم‌چنین در بیان سهام ارث پدر و مادر در صورتی که میت، فرزندی نداشته باشد، سهم مادر را محور قرار می‌دهد. سپس سهم پدر از آن دانسته می‌شود. «فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ» (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۷، ۵۱۳-۵۱۲).

نتیجه گیری

در پژوهش حاضر به بررسی شیوه گفتمان‌سازی و اقدامات قرآن و سنت به صورت مرحله به مرحله، در راستای تکریم شخصیت زنان پرداخته شد و نتایج زیر حاصل گشت:

۱- برای تغییر هر فرهنگی در هر جامعه‌ای، ابتدا باید به گفتمان‌سازی و تغییر باور و دیدگاه مردم پرداخته شود و پس از ایجاد دغدغه در ذهن‌ها و تبلیغ و جایگزینی گفتمان جدید، انتظار تغییر فرهنگ و وارد شدن آن فرهنگ در رفتار و عملکرد مردم را داشت، همچنان که شیوه قرآن و سنت چنین بوده است.

شیوه های گفتمان سازی قرآن و سنت در ارتباط با تکریم شخصیت زنان ۱۵۷

۲- قرآن و سنت در راستای گفتمان سازی در ارتباط با تکریم شخصیت زنان، به صورت تدریجی و برنامه ریزی شده و گام به گام پیش رفتند؛ در نتیجه، برای شکل گیری هر تغییر اساسی در جامعه، باید با برنامه و به صورت تدریجی جلو رفت؛ چرا که اقدامات سریع و بی برنامه، هیچ تاثیر عمیق و پایداری نمی تواند داشته باشد.

۳- مراحل گفتمان سازی قرآن و سنت در ارتباط با تکریم شخصیت زنان، شامل مراحل پنج گانه زیر می باشد:

مرحله اول: تشخیص و مسئله شناسی

مرحله دوم: تبیین مسئله

مرحله سوم: تبلیغ گفتمان جدید

مرحله چهارم: تثبیت گفتمان جدید

مرحله پنجم: تعمیق و باور سازی

۴- اسلام پس از مرحله شناخت دقیق موضوع و عوامل و ریشه های آن، به تبیین مساله و روشن تر کردن زوایای مختلف موضوع برای مخاطبان پرداخته و با استفاده از برخی ابزارهای گفتمانی مانند ایجاد سوالات بدیع و جلب نظر مردم و توجه و تاکید بر عوامل شکل گیری دیدگاه غلط به دغدغه سازی در ذهن مخاطبان در ارتباط با مساله شخصیت و حقوق زنان پرداخته است.

۵- در گام بعدی و پس از تضعیف گفتمان رایج به عنوان جایگزین به ارائه و تبلیغ گفتمان جدید اسلامی مبتنی بر تکریم شخصیت و جایگاه زنان پرداخته و از ابزارهایی مانند ارائه الگو توسط قصص قرآنی استفاده کرده و هم چنین با تاکید بر کرامت و ارزش والای دختران و همسران و مادران در کلام پیامبر (ص) به تبلیغ گفتمان جدید پرداخته است.

- ۶- در ادامه، دین اسلام، به تثبیت جایگاه گفتمان جدید در باور مردم پرداخته و با تکرار و تذکر مداوم و عملکرد سراسر احترام و توأم با کرامت پیامبر (ص) با زنان، که به عنوان الگوی مسلمانان به شمار می‌رفتند، به امر اهتمام ورزیده است.
- ۷- در مرحله نهایی هم برای تعمیق و باورسازی گفتمان جدید و هم چنین برای وارد ساختن آن در زندگی عملی مردم، به وضع احکام و قوانینی در راستای احیای حقوق و شخصیت زنان پرداخته است.
- ۸- برای ایجاد تغییر در باور و فرهنگ عمومی مردم نسبت به یک موضوع، بعد از برجسته‌سازی ضعف‌های دیدگاه رایج، باید بلافاصله به تبلیغ و الگوسازی‌های منطبق بر واقع در راستای گفتمان جدید پرداخت و این از مهم‌ترین مراحل یک گفتمان‌سازی موفق است و صرف انتقاد و تضعیف گفتمان رایج بدون ارائه راه‌کاری جدید و واقع‌بینانه هیچ تاثیر مثبتی نمی‌تواند داشته باشد.
- ۹- در نهایت پیشنهاد می‌شود، با توجه الگوی حرکتی منظم و منسجم قرآن و سنت به بررسی دلایل ضعف و افول این گفتمان در دوره‌های بعدی اسلامی پرداخته شود و هم‌چنین تلاش برای نگارش الگوی گفتمان‌سازی در همین ارتباط برای انقلاب اسلامی می‌تواند برای حل بسیاری از مشکلات به خصوص مسائل مرتبط با زنان در جامعه، راهگشا باشد.

کتابنامه

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. ابن بابویه، محمدبن علی، (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین حوزه.

شیوه های گفتمان سازی قرآن و سنت در ارتباط با تکریم شخصیت زنان ۱۵۹

۳. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۰۸ق)، دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشان الاکبر، بیروت: دارالفکر.
۴. ابن سعد، محمد، (۱۳۷۷ق)، الطبقات الکبری، بیروت: داربیروت.
۵. ابن عاشور، محمدطاهر، (۱۴۲۰ق)، التحریر و التنبیر، بیروت: موسسه التاریخ العربی.
۶. ابن فارس، ابوالحسن احمد، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۷. ابن منظور، محمدبن مکرم، (۱۴۰۸ق)، لسان العرب، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۸. ابن هشام، عبدالملک، (بی تا)، السیره النبویه، (تحقیق: السقا، مصطفی)، بیروت: دارالمعرفه.
۹. ابن هیثم اصفهانی، ابوالفرج علی بن حسین، (بی تا)، الاغانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. آلوسی بغدادی، محمود شکری، (بی تا)، بلوغ الارب فی معرفه احوال العرب، بیروت: دارالشرق العربی.
۱۱. ترمینانی، عبدالسلام، (۱۴۰۹ق)، الزواج عندالعرب فی الجاهلیه و الاسلام، چاپ دوم، بیروت: دارالقلم العربی.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۸ش)، زن در آینه جلال و جمال، چاپ پنجم، قم: نشر اسراء.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸ش)، تفسیر تسنیم، قم: نشر اسراء.
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل بیت (ع).
۱۵. رازی، محمد بن عمر فخر، (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چاپ سوم، بیروت: دارالحیاء التراث العربی.
۱۶. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق التنزیل، چاپ سوم، بیروت: داراکتاب العربی.
۱۷. شی -ژو، (۱۳۹۴ش)، رویکرد فرهنگی به گفتمان، مترجم، داوود کوهی، مراغه: نشر دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۸. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه العلمی للمطبوعات.

۱۶۰ دو فصلنامه تفسیر پژوهی

۱۹. طبرانی، سلیمان بن احمد، (۲۰۰۸م)، التفسیر الکبیر، اردن: دارالکتاب الثقافی.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.
۲۱. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷ق)، تاریخ الامم و الملوک، بیروت: دارالتراث.
۲۲. عضدانلو، حمید، (۱۳۸۰ش)، گفتمان و جامعه، تهران: نشر نی.
۲۳. فوزی، ابراهیم، (۱۹۸۳م)، احکام الاسره فی الجاهلیه و الاسلام، چاپ دوم، بی جا: دارالحکمه للنشر.
۲۴. فیض کاشانی، (۱۴۰۶ق)، محمد محسن، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمومنین (ع).
۲۵. کراچکی، محمد بن علی، (۱۳۹۴ق)، معدن الجواهر و ریاضه الخواطر، چاپ دوم، تهران: مکتبه المرتضویه.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، (مصحح: علی اکبر غفاری)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: دارالحیاء التراث العربی.
۲۸. مقدسی، مطهر بن طاهر، (بی تا)، البدء و التاریخ، بی جا: مکتبه اثقافه الدینیة.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دارالکتب الاسلامی.
۳۰. مک دائل، دایان، (۱۳۸۰)، مقدمه ای بر نظریه های گفتمان، (مترجم: حسین علی نودری): تهران.
۳۱. نکونام، جعفر، (۱۳۸۰ش)، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، تهران: نشر هستی نما.
۳۲. نوری، یحیی، (۱۳۶۴ش)، اسلام و جاهلیت، چاپ چهارم، بی جا: مجمع معارف الاسلامی.
۳۳. نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: موسسه آل بیت (ع).
۳۴. واقدی، محمد بن عمرو بن واقدی، (۱۴۰۹ق)، المغازی، چاپ سوم، بیروت: انتشارات الاعلمی.